ادلب در انتظار وطنی‌ترین عملیات سوریه

سعدالله زارعی*: «ادلب» آخرین استان سوریه است که باید از اشغال تروریست‌های تحت‌الحمایه خارج شود. با توجه به تاخیری که در آزادی این منطقه اتفاق افتاده است، سوال این است که این کار در چه زمانی و چگونه به سرانجام می‌رسد؟

۱- خصوصیات ادلب

ادلب یک استان متوسط سوریه از نظر مساحت است اما در عین حال از آنجا که نزدیک به ۳ میلیون نفر جمعیت بومی و غیربومی سوری را در خود جای داده است، دارای اهمیت ویژه است. این استان از غرب با استان علوی‌نشین لاذقیه تماس دارد و از جنوب با استان‌های حما و حمص مرتبط است و از غرب در همسایگی استان حلب قرار گرفته است. هم اینک بخش اعظم این استان و غرب استان حلب در سیطره گروه‌های مسلح و تروریست‌ها قرار دارد. اکثر شبه‌نظامیان آن وابسته به گروه النصره (القاعده سوریه) هستند. این گروه‌ها بعضا به طور رسمی و بعضا به طور غیر رسمی از سوی دولت ترکیه حمایت می‌شوند و این کشور با این استدلال که عملیات نظامی معطوف به پاکسازی در این استان سبب گسیل شبه‌نظامیان سوری به استان‌های همجوار ترکیه می‌شود و وضع امنیتی ترکیه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، با عملیات پاکسازی ارتش سوریه مخالفت کرده است.

۲- دلایل تأخیر عملیات ارتش سوریه در ادلب

ارتش سوریه به‌رغم آنکه توانایی کافی برای پاکسازی ادلب از گروه‌های تکفیری مسلح را دارد، به ۳ دلیل عمده این عملیات را به تاخیر انداخته است. یکی از دلایل وجود ۳ میلیون جمعیت سوری است که در صورتی که عملیات ارتش بدون تمهیدات لازم انجام شود، آسیب می‌بینند. ارتش سوریه از چند ماه قبل مناطقی در داخل سوریه را برای انتقال این جمعیت در نظر گرفته است اما جز بخش کمی از آنان از ادلب خارج نشده‌اند. به نظر می‌آید ممانعت گروه‌های مسلح از انتقال جمعیت ادلب است و عملا نتایج به دست آمده بیانگر بی‌فایده بودن آن است. از این رو ارتش سوریه در یک اقدام هماهنگ با روسیه و ایران نیروهای خود را به مرور به سمت این استان گسیل داشته و در نقاط مختلف به تهیه مقدمات عملیات پرداخته است. هم اینک ارتش سوریه در مناطق شمال شرقی لاذقیه و کوه‌های مشرف به ادلب مستقر شده است. ارتش در جنوب ادلب پس از پاکسازی حما از نیروهای تروریستی به موقعیت‌های عملیات دست یافته است. تنگ کردن حلقه محاصره گروه‌های تکفیری مسلح در غرب استان حلب موقعیت فرماندهی عملیات ادلب را برای ارتش هموار کرده است. در این مدت ارتش سوریه توانست با گروه‌هایی در ادلب هم تماس‌هایی برقرار کند. در همین راستا به نظر می‌آید زمان آغاز عملیات آزادی‌بخش در ادلب نزدیک باشد. این در حالی است که ارتش با آزاد شدن بخش اعظم نیروهایش که تا همین ۶ ماه قبل در شرق و جنوب و اطراف دمشق درگیر بودند، هم اینک علاوه بر کسب تجربه در آزادسازی، نیروهای وسیعی در اختیار دارد.

پاکسازی ادلب توسط ارتش سوریه می‌تواند بدون حمایت نیروهای منطقه‌ای هم انجام شود. بر این اساس می‌توان گفت عملیات آزادسازی ادلب، «میهنی»‌ترین عملیات نظامی معطوف به پاکسازی سوریه از تروریست‌ها خواهد بود. عملیات نظامی که منحصر به ارتش سوریه باشد امکان مداخله غرب و جبهه‌سازی آنان را با محدودیت زیاد مواجه می‌کند. از این رو بر خلاف عملیات‌های جنوب، شرق و اطراف دمشق، تروریست‌ها چندان نمی‌توانند همکاری کشورهایی نظیر آمریکا، عربستان، کویت، امارات، قطر و ترکیه چشم داشته باشند. علاوه بر آن تجربه موفق ارتش و جبهه مقاومت در عملیات‌های قبل، روحیه مقاومت تروریست‌ها را تضعیف کرده و شکاف کنونی میان آنان را تعمیق می‌کند.

■ **ادلب و روند سیاسی در سوریه**

روند سیاسی سوریه همین الان هم سرعت گرفته است. اعتراف مقامات ارشد آمریکایی در هفته پایانی آذر ماه مبنی بر اینکه برنامه تغییر سیاسی سوریه را کنار گذشته‌اند، اظهارات جواد اولوغلو، وزیر خارجه ترکیه مبنی بر اغاز آمادگی برای همکاری با دولت اسد و گسیل هیات‌های محرمانه امنیتی به دمشق طی ماه‌های اخیر، سفر رئیس‌جمهوری سودان به دمشق و دعوت از دمشق برای بازگشت به اتحادیه عرب و مذاکراتی که ابوظبی با دمشق برای شرکت در بازسازی سوریه داشت و موضع صریح حکومت ارمن مبنی بر دست یافتن به توافق امنیتی با دولت اسد برای مهار تحرکات گروه‌های مسلح تروریستی و سفر مقامات عراق به دمشق بخوبی از رونق گرفتن فعالیت سیاسی سوریه خبر می‌دهد. همه این تحرکات در حالی صورت است که هنوز ادلب در سیطره تروریست‌هاست.

آزادسازی ادلب تحرک بیشتری به پرونده سوریه با هدف عادی‌سازی وضع حکومت سوریه در پهنه خواهد داد. عملیات ادلب سبب تعیین تکلیف نیروهای نظامی آمریکا و ترکیه نیز خواهد شد. بر این اساس بلافاصله پس از زمانی که در سوریه زمزمه آغاز عملیات پاکسازی ادلب شنیده شد، ترامپ اعلام کرد «ما برای مبارزه با کسانی که با داعش به سوریه رفتند و هم اینک داعش وجود ندارد» و یکی از مقامات ارشن آمریکا اعلام کرد نیروهای نظامی آمریکا بزودی از سوریه خواهند رفت. مخالفت ناتو با عملیات ترکیه در شمال شرق سوریه علیه کردهای مستقر در منطقه موسوم به «جزیره» نشان‌دهنده از دست رفتن زمان برای ارتش ترکیه است. در عین حال عملیات هوایی ترکیه علیه کردهای موسوم به PYD سبب شد نیروهای کرد تحت امر «صالح مسلم» که از شمال دولت دمشق وابسته است، از آنان در برابر حملات یک «کشور خارجی» حمایت کند. همه این تحولات بیانگر آن است که زمان به سرانجام رسیدن پرونده امنیتی سوریه بسیار نزدیک است. آنچه شدن دامن مسلمه‌ای برای خیلی‌ها از جمله آنکارا واشنگتن، ریاض و ابوظبی یک خبر خوب خواهد بود. این عملیات بدون آنکه ارتش اسد، نگاه جامعه ملل بویژه پایگزان دخیل در پرونده به سوی «ادلب» معطوف شده است. آری! این همان منطقه‌ای است که امروز به عنوان کلکسیونی از جریان‌های خرد و ریز تروریستی شناخته می‌شود که صدالبته رهبری آن به عهده مقلدان بن‌لادن است. شاید در رسانه‌ها و افکار عمومی اینگونه برداشت شود مانند حلب که به عنوان آخرین نقطه ارتجاع به تکفیر توسط داعش، ارتش آزاد و گروه‌های دیگر اداره می‌شود اما این تئوری و تحلیل بر صحت کامل نادرست است. باید دانست که شاگردان «ایمن الظواهری» اداره این شهر را به عهده دارند و حرف اول و آخر در ادلب را سازمان تروریستی القاعده می‌زند اما مسئله مهم‌تر، تحرک نظامیان ارتشان متحده و ترکیه در پیرامون ادلب و شمال سوریه است. از این رو برای روشن شدن ابعاد راهبردهای نظامی - سیاسی ترکیه و آمریکا در ادلب به گفت‌وگو با «والتر دورن»* استاد علوم دفاعی کالج سلطنتی نظامی کانادا پرداختیم. تخصص وی مسائل مربوط به عملیات صلح، نظریات جنگ و قوانین جزای بین‌المللی است.

■ با گذشت ۷ سال از بحران سوریه، امروز نگاه تمام مقامات، تحلیلگران و حتی رسانه‌ها به ادلب است. نظر شما درباره سناریوهای آمریکا و ترکیه در ادلب و آینده پیش روی این منطقه چیست؟

ادلب به عنوان آخرین نقطه آلوده به ویروس تروریسم محل مجادله بسیاری از بازیگران منطقه‌ای (بیرامونی) و فرامنطقه‌ای شده که روسیه، آمریکا، ترکیه و سوریه ستون فقرات این پروژه را تشکیل می‌دهند و هر کدام به دنبال پیامدسازی سناریویی بر اساس منافع ملی خودشان هستند. باید توجه داشته باشیم سناریوهای محتمل ادلب متحده و همچنین ترکیه و ایران حاکم بر آن خلف محدود نخواهد شد و در واقع در این مورد (همانند سایر مناطق مورد منازعه) سناریوهای مختلفی وجود دارد. شاخص‌ترین سناریوی آیالات متحده آمریکا و دونالد ترامپ عدم درگیر شدن بیش از این حد در سوریه و یافتن راه‌حلی برای خروج این کشور از شامات است. در سوی دیگر پرونده ادلب، ترکیه خواهان حضور در مناطق شمالی همجوار با استان ادلب سوریه است ولی ورود مستقیم این کشور به درگیری‌های استان ادلب بعید به نظر می‌رسد، چرا که این حضور نظامی باعث کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای ارتش و همچنین نیروهای پشتیبانی ارتش ترکیه و در سوی دیگر گسیل شدن موج جدیدی از پناهندگان به کشور ترکیه خواهد شد. این دو دلیل به خودی خود به حدی بزرگ و اساسی است که آنکارا از ورود نظامی مستقیم به درگیری در استان ادلب خودداری کند. به عبارت دیگر به همین مشارکت در گشت‌های پیرامونی مشترک با آمریکا بسنده خواهد کرد. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا با مشکل جاری شدن بیش پناهندگان مواجه است ولی سعی می‌کند در ابتدا برآوردها را بررسی کند تا در درگیری که برایش تلفات نظامی فراوانی به همراه دارد غرق نشود. واقعیت این است که نباید ایالات متحده آمریکا و ترکیه را در پرونده ادلب به عنوان یک تیم ببینیم، هر چند که این دو کشور در بسیاری از مسائل دارای همکاری‌های نزدیک با یکدیگرند. در مساله ادلب و به صورت کلی در پرونده سوریه، واشنگتن و آنکارا دارای منافع متفاوتی هستند که بر همین اساس نمی‌توان کرد ما منافع هر کدام از آنها می‌تواند در بسیاری از نقاط همپوشانی داشته باشد.

■ با این تفاسیر آمریکا و ترکیه از حیث نظامی و سیاسی چه دستاوردهایی در ادلب خواهند داشت؟

ایجاد منطقه کاهش تنش در شمال استان ادلب و احداث ۱۲ برجک دیده‌بانی اطلاعاتی - عملیاتی (برجک‌های حافظ صلح) که منطقه سازمان ملل متحد نیز در حال حاضر مورد استقبال قرار گرفته، می‌تواند مبنایی برای پیشرفت روند مذاکرات صلح در این منطقه و دور شدن بیشتر از تنش باشد که این توانایی را دارد تا به یک توافقنامه جامع صلح منتج شود اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم احتمال ایجاد ترکیه وارد درگیری مستقیم بسیار کم است.

■ بسیاری از ناظران بین‌المللی معتقدند ادلب در معادلات سیاسی ادلب نقش دارد؛ این تحلیل تا چه حد درست است؟

نمی‌توان این جریان تروریستی را بازیگر اصلی ادلب دانست اما در این بین نباید از تحرکات خاص غافل شد، چرا که تمام سناریوهایی که بازی جریان‌های خرد و ریز حاضر در ادلب و ارتباط آنها با دولت‌ها مطرح شده، برای داعش محتمل و محفوظ خواهد بود. بنابراین ایالات متحده تنها در یک صورت و آن هم ورود بدون هماهنگی دولت سوریه با روسیه به منطقه شرق فرات که نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در آن مناطق وجود دارند، وارد نبرد نظامی مستقیم خواهد شد و حتی ممکن است برای پوشش نیروهای خود از داعش یا سایر جریان‌های تروریستی استفاده کنند.

گزارش «وطن امروز» از اشغال ادلب تا مذاکرات سه‌جانبه

یک قدم تا پیروزی در سرزمین ترور

پویان شریعت: آخرین روزهای ژانویه ۲۰۱۱ برابر با ۶ بهمن ماه ۱۳۸۹ خبرهایی مبنی بر بالاگرفتن اعتراض‌ها در سوریه به توجه رسانه‌های جهان را به خود جلب کرد. شاید آن روزها کمتر کسی فکر می‌کرد آتش روشن شده در سوریه باعث بروز یک مخاصمه بین‌المللی تمام‌عیار و ظهور تروریسم تکفیری در شام، عراق، قسمت‌هایی از لبنان و منطقه آسیای مرکزی شود؛ بحرانی که نه‌تنها به خاورمیانه محدود نشد، بلکه بخش‌هایی از قاره سبز و شرق آسیا را در گیر خود کرد. با گذشت چند بین ماه از این بحران و سقوط استان‌های مختلفی در سوریه و عراق، هیچ خبر یا تحلیلی درباره چگونگی پایان این جنگ و اینکه در روزهایی نه چندان دور، ادلب آخرین ایستگاه جنایتکارانی از جنس داعش و القاعده می‌شود، وجود نداشت اما اکنون با گذشت ۷ سال جنگ خونین در سوریه، ادلب آخرین ایستگاه تروریست‌های تکفیری شده است. استانی که علاوه بر تروریست‌ها، از اهمیت قابل توجهی برای برخی دولت‌های خارجی از جمله آنکارا، واشنگتن، اتحاد به اروپایی و متحدان مرتجع عربی آمریکا برخوردار است. حالا در روزهایی که نشست سه‌جانبه میان تهران، مسکو و آنکارا برای تعیین تکلیف ادلب برگزار شده، بر آن شدیم با نگاهی گذرا بر موقعیت و مسائل پیدا و پنهان آخرین استان اشغالی سوریه که در دست تکفیری‌های القاعده است، به بررسی این پرونده بپردازیم. گزارش پیش رو به بررسی وضعیت سیاسی و میدانی ادلب از اشغال تا نشست‌های دیپلماتیک سه‌جانبه می‌پردازد.

آنکارا

ترکیه با گذشت قریب به ۶ سال از اغاز جنگ در سوریه، سناریوی جدیدی را در دستور کار قرار داد. در واقع پس از بررسی وضعیت میدانی و آمایش سرزمینی گروه‌های مسلح در سوریه که از سوی سران سیاسی- نظامی ترکیه انجام شد، آنکارا به این نتیجه رسید که تنها حمایت از گروه‌های پادشده کافی نیست، بلکه برای بررنگ شدن نقش جنگ عدالت و توسعه و همچنین سهم‌خواهی بیشتر از بحران موجود در شام نیاز به حضور نظامی مستقیم در میدان بحران و مدیریت برخی گروه‌ها به شکل مستقیم و آشکار است. در همین راستا عملیاتی با نام «شاخه زیتون» از منطقه طرابلس در شمال سوریه آغاز و در نهایت به مناطق تحت اشغال آنکارا در شمال منتهی شد. ترکها دلیل این اقدام و نقض تمامیت ارضی سوریه را چنین عنوان کردند که در این میان حضور نیروهای کرد مسلح در حاشیه مرزهای جنوبی و احتمال بروز اقدامات تروریستی از طرف آنها از مهمترین این دلایل است. آنکارا که از نگاهی به کمک‌های لجستیکی، اطلاعاتی و دیپلماتیک آنکارا به گروه‌های مسلح اعم از معارض و تروریست داشته باشیم بخوبی می‌توان مناطق ترکها درباره این گروه‌ها بویژه گروه‌های مسلح اخوانی و سلفی را مشاهده کرد. به عبارت دقیق‌تر آنکارا به نمایندگی از تروریست‌های مورد حمایت خود در مذاکرات حاضر شد و به دنبال تامین منافع و خواسته‌های خود در زمین بنیادگرای رادیکال مورد حمایت خود قرار می‌گیرند. از سوی دیگر علاوه بر داعش و القاعده می‌توان به مهندسی سازمان سیا و کمک‌های لجستیکی ریاض در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی دیگری از جمله ارتش آزاد و پرچم‌های سفید در عراق اشاره داشت؛ گروه‌هایی که بر اساس ملزومات میدانی و زمانی از سوی آنها ایجاد و با هدایت و آموزش پنتاگون به مرحله عملیاتی رسیدند. جامعه اطلاعاتی غرب در نهایت به دنبال اهدافی چون ضربه به مقاومت، تامین امنیت برای اسرائیل، کشته گرفتن از مسلمانان با ایجاد جنگ‌های داخلی، تهدید نظام سازمان ملل و جابه‌جایی منابع در ساختار مقاومت و همچنین چند پاره کردن کشورهای سوریه و عراق با هدف اعمال سناریوی مذکور بر این پرونده است که نه‌تنها در موضع انفعال قرار گرفته، بلکه به اعتقاد برخی کارشناسان، مسائل امنیتی اقدامات واشنگتن درباره ادلب نمی‌تواند بیشتر از واکنش آنها نسبت به آزادسازی غوطه باشد.

واشنگتن

موضع واشنگتن و سیاست‌های دونالد ترامپ در سوریه در چند هدف و محور خلاصه می‌شود که بر اساس آن، سیاست‌های اعمالی واشنگتن و جامعه اطلاعاتی غرب ضربه به محور مقاومت به عنوان مهم‌ترین هدف جاری در خاورمیانه است. آمریکا به همراه متحدان مرتجع عربی خود بویژه عربستان که نقش منبع مالی این پروژه را برعهده دارد، در سناریوی تل‌آویو به ایفای نقش پرداخته و در این میان تامین امنیت مرزهای سرزمین‌های اشغالی و افزایش امنیت پیرامونی صهیونیست‌ها را همواره به عنوان مهم‌ترین هدف در دستور کار داشته‌اند. بر اساس گزارشی که سال ۲۰۰۴ از سوی اندیشکده FDD وابسته به ژاکس اطلاعات مرکزی ایالات متحده منتشر شد، برای تقابل با نظام حاکم بر ایران و هرگونه اقدام ممکن جهت ایجاد بازوهای خارجی جمهوری اسلامی که با نام مقاومت شناخته می‌شوند زیر ضربه قرار گیرند. بر همین اساس می‌توان انقطاع ارتباط تهران با مرزهای رژیم صهیونیستی و مدیریتانه را یکی از مهمترین دلایل پروژه تروریستی سوریه و عراق دانست. این در حالی است که با رشد پیروزی‌های ارتش عربی و مقاومت در سوریه، بخش‌های زیادی از مناطق اشغالی در این کشور آزاد شد. منحنی صعودی این نمودار نه‌تنها باعث شد سناریوی غرب برای ضربه به ایران محقق نشود، بلکه تغییر سیاست در امور میدانی سوریه به شکل اجباری و تلقینی دامن واشنگتن را گرفت. افول نقش آنها تا جایی ادامه پیدا کرد که اقدامات ائتلاف غربی به اصطلاح دشترورسیم به حقوق رسید و در سوی دیگر، امریکایی‌ها در مواردی به دنبال تضعیف نقش ارتش سوریه است. اما انفعال غربی‌ها در سوریه در شرایطی به وضعیت امروز سوریه که پس از اعمال فشار و سیل تل‌آویو و ریاض، امریکایی‌ها در موارد متعددی به شکل آشکار کمک به داعش و القاعده را در دستور کار قرار دادند. رسوایی مقامات واشنگتن زمانی به نقطه اوج خود رسید که علاوه بر انتشار تصاویر کمک‌رسانی آمریکا به داعش، مسئله التنف با هدف ایجاد محیطی امن برای جلوگیری از ضربه به تروریست‌ها توسط آنها ایجاد شد. این مسائل نه‌تنها نشان آمریکایی‌ها در جنایات ثبت شده خاورمیانه را پنهان نمی‌کند، بلکه آنها همواره به دلیل اشغالگری در افغانستان و عراق به عمل‌اصلی ترین متهم ایجاد بحران تروریستی از نوع تهدید امنیتی و مقابله با تهدید در داخل روبا است. در سوی دیگر، سازمان سیا و کمک‌های لجستیکی ریاض در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی دیگری از جمله ارتش آزاد و پرچم‌های سفید در عراق اشاره داشت؛ گروه‌هایی که بر اساس ملزومات میدانی و زمانی از سوی آنها ایجاد و با هدایت و آموزش پنتاگون به مرحله عملیاتی رسیدند. جامعه اطلاعاتی غرب در نهایت به دنبال اهدافی چون ضربه به مقاومت، تامین امنیت برای اسرائیل، کشته گرفتن از مسلمانان با ایجاد جنگ‌های داخلی، تهدید نظام سازمان ملل و جابه‌جایی منابع در ساختار مقاومت و همچنین چند پاره کردن کشورهای سوریه و عراق با هدف اعمال سناریوی مذکور بر این پرونده است که نه‌تنها در موضع انفعال قرار گرفته، بلکه به اعتقاد برخی کارشناسان، مسائل امنیتی اقدامات واشنگتن درباره ادلب نمی‌تواند بیشتر از واکنش آنها نسبت به آزادسازی غوطه باشد.

اتحادیه اروپا

اروپایی‌ها همواره به دلیل عضویت در ناتو و همچنین حضور در ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح ضد تروریسم به رهبری واشنگتن مواضع همسو با آمریکا تحکیم کرده‌اند اما قبل از بررسی جایگاه و نقش آنها در پرونده سوریه و ادلب باید به اقدام نظامی آنها در لیبی که به رهبری فرانسه و انگلیس رخ داد اشاره کرد. موضوعی که بررسی آن می‌تواند در شرک و ذهنیت نسبتاً درستتری از نقش اروپا در پرونده بحران تروریستی سوریه بویژه بر ادلب برای مخاطب ایجاد کند. حضور نیروهای نظامی فرانسه و انگلیس در لیبی تنها به مرگ قذافی منجر شد. اقدامی که به اعتقاد برخی سیاستمداران اروپایی نه تنها دموکراسی را در این کشور به ارمغان نیاورد، بلکه با ظهور شبکه داعش در لیبی و رشد فعالیت بدنه سنتی القاعده در این کشور، اوضاع داخلی و امنیت ملی لیبی را دچار از هم گسیختگی کرد. لیبی که همواره به عنوان یکی از ارتباطی قابرفا با اروپا و خاورمیانه مطرح بوده و با وجود بحران مذکور به یک تهدید بالقوه و در برخی موارد بالفعل برای قاره کهن تبدیل شد. به عبارت ساده‌تر پس از این فاجعه چشم‌پوشی در لیبی بود که سوریه شاهد مهاجرت و اعزام شبه‌نظامی‌های متعددی از عناصر آمده‌ذیده تکفیری بود؛ انتقالی که نه‌تنها به خاورمیانه محدود نشد، بلکه باعث شد روی دیگر سکه گریبان اروپایی‌ها را بگیرد و آنها را مجبور کند همچون ایجاد خط بارلو و نو مازینو، این دفعه برای نبرد با داعش و القاعده در خانه خود آماده و مهیا شوند. این مسائله کشنگری آنها را در سوریه و عراق به حداقل رساند و باعث شد آنها خطوط پدافندی خود را همچون دیوارهای گذشته در داخل اتحادیه اروپا ایجاد کند. این مسائل نه‌تنها نشان آمریکایی‌ها در جنایات ثبت شده خاورمیانه را پنهان نمی‌کند، بلکه آنها همواره به دلیل اشغالگری در افغانستان و عراق به عمل‌اصلی ترین متهم ایجاد بحران تروریستی از نوع تمامی امنیت و مقابله با تهدید در داخل اروپا شد. در سوی دیگر، اروپایی‌ها در سوریه به عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای (بیرامونی) و فرامنطقه‌ای شده که روسیه، آمریکا، ترکیه و سوریه ستون فقرات این پروژه را تشکیل می‌دهند و هر کدام به دنبال پیامدسازی سناریویی بر اساس منافع ملی خودشان هستند. باید توجه داشته باشیم سناریوهای محتمل ایالات متحده و همچنین ترکیه و ایران حاکم بر آن خلف محدود نخواهد شد و در واقع در این مورد (همانند سایر مناطق مورد منازعه) سناریوهای مختلفی وجود دارد. شاخص‌ترین سناریوی ایالات متحده آمریکا و دونالد ترامپ عدم درگیر شدن بیش از این حد در سوریه و یافتن راه‌حلی برای خروج این کشور از شامات است. در سوی دیگر پرونده ادلب، ترکیه خواهان حضور در مناطق شمالی همجوار با استان ادلب سوریه است ولی ورود مستقیم این کشور به درگیری‌های استان ادلب بعید به نظر می‌رسد، چرا که این حضور نظامی باعث کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای ارتش و همچنین نیروهای پشتیبانی ارتش ترکیه و در سوی دیگر گسیل شدن موج جدیدی از پناهندگان به کشور ترکیه خواهد شد. این دو دلیل به خودی خود به حدی بزرگ و اساسی است که آنکارا از ورود نظامی مستقیم به درگیری در استان ادلب خودداری کند. به عبارت دیگر به همین مشارکت در گشت‌های پیرامونی مشترک با آمریکا بسنده خواهد کرد. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا با مشکل جاری شدن بیش پناهندگان مواجه است ولی سعی می‌کند در ابتدا برآوردها را بررسی کند تا در درگیری که برایش تلفات نظامی فراوانی به همراه دارد غرق نشود. واقعیت این است که نباید ایالات متحده آمریکا و ترکیه را در پرونده ادلب به عنوان یک تیم ببینیم، هر چند که این دو کشور در بسیاری از مسائل دارای همکاری‌های نزدیک با یکدیگرند. در مساله ادلب و به صورت کلی در پرونده سوریه، واشنگتن و آنکارا دارای منافع متفاوتی هستند که بر همین اساس نمی‌توان کرد ما منافع هر کدام از آنها می‌تواند در بسیاری از نقاط همپوشانی داشته باشد.

■ با این تفاسیر آمریکا و ترکیه از حیث نظامی و سیاسی چه دستاوردهایی در ادلب خواهند داشت؟

ایجاد منطقه کاهش تنش در شمال استان ادلب و احداث ۱۲ برجک دیده‌بانی اطلاعاتی- عملیاتی (برجک‌های حافظ صلح) که منطقه سازمان ملل متحد نیز در حال حاضر مورد استقبال قرار گرفته، می‌تواند مبنایی برای پیشرفت روند مذاکرات صلح در این منطقه و دور شدن بیشتر از تنش باشد که این توانایی را دارد تا به یک توافقنامه جامع صلح منتج شود اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم احتمال ایجاد ترکیه وارد درگیری مستقیم بسیار کم است.

■ بسیاری از ناظران بین‌المللی معتقدند ادلب در معادلات سیاسی ادلب نقش دارد؛ این تحلیل تا چه حد درست است؟

نمی‌توان این جریان تروریستی را بازیگر اصلی ادلب دانست اما در این بین نباید از تحرکات خاص غافل شد، چرا که تمام سناریوهایی که برای جریان‌های خرد و ریز حاضر در ادلب و ارتباط آنها با دولت‌ها مطرح شده، برای داعش محتمل و محفوظ خواهد بود. بنابراین ایالات متحده تنها در یک صورت و آن هم ورود بدون هماهنگی دولت سوریه با روسیه به منطقه شرق فرات که نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در آن مناطق وجود دارند، وارد نبرد نظامی مستقیم خواهد شد و حتی ممکن است برای پوشش نیروهای خود از داعش یا سایر جریان‌های تروریستی استفاده کنند.

واکاوی راهبردهای میدانی - سیاسی آمریکا و ترکیه در شمال سوریه در گفت‌وگوی اختصاصی «وطن‌امروز» با استاد علوم دفاعی کالج سلطنتی نظامی کانادا

ادلب، آخرین سنگر تکفیر

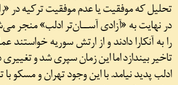

مجتبی مومنی: هر چه به سمت نقطه پایانی بحران شام نزدیک می‌شویم، اظهارنظرهای دیپلماتیک و تحولات میدانی به گونه‌ای دیگر رخ عیان می‌کند. به عبارت دیگر جابه‌جایی متغیرها در زمین بازی سوریه به صورتی پیش می‌رود که بازیگران دخیل در این پرونده را مجبور به اظهارنظر و اخذ موضع می‌کند. در طول ۷ سال اخیر که دولت حاکم بر این خطه در دو گیر مبارزه با ویروس تکفیر بود و همچنان به دنبال ریشه‌کن کردن لکه‌های تروریستی در استان‌های مختلف سوریه است، نگاه جامعه ملل بویژه پایگزان دخیل در پرونده به سوی «ادلب» معطوف شده است. آری! این همان منطقه‌ای است که امروز به عنوان کلکسیونی از جریان‌های خرد و ریز تروریستی شناخته می‌شود که صدالبته رهبری آن به عهده مقلدان بن‌لادن است. شاید در رسانه‌ها و افکار عمومی اینگونه برداشت شود مانند حلب که به عنوان آخرین نقطه ارتجاع به تکفیر توسط داعش، ارتش آزاد و گروه‌های دیگر اداره می‌شود اما این تئوری و تحلیل بر صحت کامل نادرست است. باید دانست که شاگردان «ایمن الظواهری» اداره این شهر را به عهده دارند و حرف اول و آخر در ادلب را سازمان تروریستی القاعده می‌زند اما مسئله مهم‌تر، تحرک نظامیان ارتشان متحده و ترکیه در پیرامون ادلب و شمال سوریه است. از این رو برای روشن شدن ابعاد راهبردهای نظامی - سیاسی ترکیه و آمریکا در ادلب به گفت‌وگو با «والتر دورن»* استاد علوم دفاعی کالج سلطنتی نظامی کانادا پرداختیم. تخصص وی مسائل مربوط به عملیات صلح، نظریات جنگ و قوانین جزای بین‌المللی است.

■ با گذشت ۷ سال از بحران سوریه، امروز نگاه تمام مقامات، تحلیلگران و حتی رسانه‌ها به ادلب است. نظر شما درباره سناریوهای آمریکا و ترکیه در ادلب و آینده پیش روی این منطقه چیست؟

ادلب به عنوان آخرین نقطه آلوده به ویروس تروریسم محل مجادله بسیاری از بازیگران منطقه‌ای (بیرامونی) و فرامنطقه‌ای شده که روسیه، آمریکا، ترکیه و سوریه ستون فقرات این پروژه را تشکیل می‌دهند و هر کدام به دنبال پیامدسازی سناریویی بر اساس منافع ملی خودشان هستند. باید توجه داشته باشیم سناریوهای محتمل ایالات متحده و همچنین ترکیه و ایران حاکم بر آن خلف محدود نخواهد شد و در واقع در این مورد (همانند سایر مناطق مورد منازعه) سناریوهای مختلفی وجود دارد. شاخص‌ترین سناریوی ایالات متحده آمریکا و دونالد ترامپ عدم درگیر شدن بیش از این حد در سوریه و یافتن راه‌حلی برای خروج این کشور از شامات است. در سوی دیگر پرونده ادلب، ترکیه خواهان حضور در مناطق شمالی همجوار با استان ادلب سوریه است ولی ورود مستقیم این کشور به درگیری‌های استان ادلب بعید به نظر می‌رسد، چرا که این حضور نظامی باعث کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای ارتش و همچنین نیروهای پشتیبانی ارتش ترکیه و در سوی دیگر گسیل شدن موج جدیدی از پناهندگان به کشور ترکیه خواهد شد. این دو دلیل به خودی خود به حدی بزرگ و اساسی است که آنکارا از ورود نظامی مستقیم به درگیری در استان ادلب خودداری کند. به عبارت دیگر به همین مشارکت در گشت‌های پیرامونی مشترک با آمریکا بسنده خواهد کرد. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا با مشکل جاری شدن بیش پناهندگان مواجه است ولی سعی می‌کند در ابتدا برآوردها را بررسی کند تا در درگیری که برایش تلفات نظامی فراوانی به همراه دارد غرق نشود. واقعیت این است که نباید ایالات متحده آمریکا و ترکیه را در پرونده ادلب به عنوان یک تیم ببینیم، هر چند که این دو کشور در بسیاری از مسائل دارای همکاری‌های نزدیک با یکدیگرند. در مساله ادلب و به صورت کلی در پرونده سوریه، واشنگتن و آنکارا دارای منافع متفاوتی هستند که بر همین اساس نمی‌توان کرد ما منافع هر کدام از آنها می‌تواند در بسیاری از نقاط همپوشانی داشته باشد.

■ با این تفاسیر آمریکا و ترکیه از حیث نظامی و سیاسی چه دستاوردهایی در ادلب خواهند داشت؟

ایجاد منطقه کاهش تنش در شمال استان ادلب و احداث ۱۲ برجک دیده‌بانی اطلاعاتی- عملیاتی (برجک‌های حافظ صلح) که منطقه سازمان ملل متحد نیز در حال حاضر مورد استقبال قرار گرفته، می‌تواند مبنایی برای پیشرفت روند مذاکرات صلح در این منطقه و دور شدن بیشتر از تنش باشد که این توانایی را دارد تا به یک توافقنامه جامع صلح منتج شود اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم احتمال ایجاد ترکیه وارد درگیری مستقیم بسیار کم است.

■ بسیاری از ناظران بین‌المللی معتقدند ادلب در معادلات سیاسی ادلب نقش دارد؛ این تحلیل تا چه حد درست است؟

نمی‌توان این جریان تروریستی را بازیگر اصلی ادلب دانست اما در این بین نباید از تحرکات خاص غافل شد، چرا که تمام سناریوهایی که برای جریان‌های خرد و ریز حاضر در ادلب و ارتباط آنها با دولت‌ها مطرح شده، برای داعش محتمل و محفوظ خواهد بود. بنابراین ایالات متحده تنها در یک صورت و آن هم ورود بدون هماهنگی دولت سوریه با روسیه به منطقه شرق فرات که نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در آن مناطق وجود دارند، وارد نبرد نظامی مستقیم خواهد شد و حتی ممکن است برای پوشش نیروهای خود از داعش یا سایر جریان‌های تروریستی استفاده کنند.

■ برآورد و تحلیل شما از آرایش نظامی و تقسیم وظایف گروه‌های تروریستی و مسلح به علاوه ارتش‌های کشورهای دخیل در پرونده ادلب چیست؟

پیچیدگی در پرونده ادلب به حدی بالاست که نمی‌توان براحتی به یک راه‌حل برسد. به علاوه اینکه بایکوت خبری و سکوت رسانه‌ای در این باره باعث شده وضعیت این جغرافیا همچنان در هاله‌ای از ابهام باشد. به گونه‌ای که هر چند هفته یک بار خبار ضد و نقیضی از سوی منابع خبری ناشناس به بیرون درز می‌کند و این روند ادامه تحلیل درباره ادلب را با مشکل روبرو کرده است. اما به هر حال در استان ادلب شاهد حضور گروه تروریستی داعش و همچنین گروه‌های وابسته به سازمان تروریستی القاعده هستیم که البته فعالیت آنها محدود است و گروه‌های زیادی با آنها در ارتباط نیستند. مسالمای که در این مقام مطرح است این خواهد بود که مردم سوریه، گروه‌های دارای ایدئولوژی افراطی را رد کرده و گروه‌های معتدل را ترجیح می‌دهند. اگر مردم در سوریه خواهان دمکراسی و حقوق انسانی خود در زمان منازعه بودند و خواستار پایان یافتن خشونت و جنگ هستند. به عنوان مثال بحث بازگشت آوارگان به سوریه یکی از مسائلی است که نه‌تنها با دلیل مشکلات اقتصادی باعث تمایل مردم به گروه‌های تروریستی می‌شود، بلکه موجبات نفوذ و کشش به سمت کشورهای غربی و فرامنطقه‌ای را فراهم می‌کند. لذا جریان‌ها و توده‌های تروریستی از این وضعیت به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند.

■ بخشی از تروریست‌های مستقر در ادلب از اتباع کشورهای خارجی بویژه سرزمین‌های اروپایی هستند؛ آیا دولت‌های حاضر در قاره سبز به این منطقه نگاه ویژه‌ای دارند؟ عملکرد آنها در صورت وقوع هرگونه درگیری نظامی چه خواهد بود؟

کشورهای اروپایی بیشتر روی روند حقوق‌آمیز تاکید داشته و تنها در حمایت‌های بشردوستانه به ایفای نقش می‌پردازند. بتوانند به نوعی جلوی موج پناهندگان سوری را که می‌خواهد به اروپا برسند، بگ